

جوانان حکمتیست ۸۳

۱۷۸۵ - ۲۹ MAR 06 - ۹ فروردین ۱۳۸۵

چهارشنبه ها منتشر می شود!

سردبیر: فواد عبداللهی foadsjk@gmail.com

ستون اول

جنگی برای زیستن!



عظیم ترین تظاهرات

دهه اخیر! فواد عبداللهی

کشور فرانسه سه شنبه با اعتصاب سراسری و تظاهرات دهها هزار تن که در اعتراض به قانون جدید کار برای جوان ها به خیابان ها آمده بودند، عملا فلج شد. سازماندهندگان این اعتصاب بزرگ، اتحادیه های کارگری و دانشجویی بودند. قرار است طبق قانون کاری که نخست وزیر فرانسه پیشنهاد کرده است جوانان زیر ۲۶ سال توسط کارفرمایان، در دو ساله اول کار خود بدون ذکر هر دلیلی اخراج شوند. این یک حمله موثر به حقوق بخش سازمان یافته کار در فرانسه است.

شکی نیست که باید فکری بحال بیکاری، گرسنگی و فلاکت در فرانسه کرد. شک نیست که باید علیه لپن بازی های امثال شیراک و دومنیک به میدان آمد. جنگ هر روزه با فقر و بیکاری داستان زندگی اقتصادی مردم فرانسه و راستش بیشتر دنیا شده است. بعد از پایان آنچه کمونیسمش خواندند و با کوبیده شدن میخ نظم نوین جهانی بر پیشانی بشریت می خواهند ناچیزترین دستاوردها را پس بگیرند. دو دهه است که ایدئولوژی رسمی غرب بعنوان جدال دموکراسی و بازار با کمونیسم و سوسیالیسم پرچم تعرض بورژوازی علیه مبارزه با کارگر و جنبش کارگری شده است. این حملات و دهن کجی های دولت فرانسه علیه ابتدایی ترین حقوق انسانی ادامه آرایشهای نظامی، سیاسی و اقتصادی جدید، در چهارچوبهای فکری و ایدئولوژیکی جدید و متناسب با سرمایه داری پس از پایان "غرب و شرق" است.

می خواهند با کارگر مثل نوکر و برده و اجیر و تو سری خور رفتار کنند. ثابت شد که دوره تاریخی جدید بعد از سقوط بلوک شرق نه دوره ثبات و نظم و روشنی که دوره بی ثباتی، اغتشاش و ابهام است. دارند بربریت پیچیده در زوروق تکنولوژی را بعنوان آلترناتیو به دنیا قالب می کنند. قرار نیست تنها خاورمیانه اماج حملات "دموکراسی" قرار گیرد. اینجا و در فرانسه، در قلب دنیا،



با رهبران حزب

جوانان حکمتیست: چرا می گویند حل مشکلات اقتصادی در ایران، باید با راه حل سیاسی و با مقابله با نظام جمهوری اسلامی باشد؟ مگر نه اینکه ایران یک جامعه سرمایه داری است و بحران آن هم راه حل درون سیستمی دارد و نیازی به سرنگونی نیست؟ حتی اینطور عنوان می شود که عروج احمدی نژاد به عنوان بخشی از حاکمیت که می خواهد فلاکت اقتصادی را تمام کند به نوعی دلیل بر این ادعاست. شما چه پاسخی دارید؟

ثریا شهابی: درست است. مشکلات اقتصادی رژیم راه حل اقتصادی ندارد و تنها راه خلاصی از بحران اقتصادی موجود، سرنگونی رژیم است. به دلایل اقتصادی این حکم و رابطه بحران اقتصادی رژیم با شرایط بقا و حیات سیاسی اش و اینکه راه نجات اقتصادی برای رژیم اساسا وجود دارد یا نه، برمیگردم. اما اجازه بدهید که مقدما یک حکم را مورد تردید قرار دهیم و آن این ادعا است که اگر رژیم راه حل اقتصادی برای خروج از بحران داشته باشد، سرنگون کردن آن گویا باید از دستور کار مردم یا احزاب سیاسی خارج شود. این بنظم از نوع احکامی است که معمولا از ذهن روشنفکران چپی تراوش میشود که هم با بر زمین سفت واقعیات ندارند و هم درک درستی از مارکسیسم و رابطه اقتصاد و سیاست ندارد. ۲



مصاحبه با فرماندهی گارد آزادی، عبدالله دارابی

خوانندگان نشریه جوانان حکمتیست! همانطور که خبر دارید، واحد های گارد آزادی در شب بیست و شش اسفند ماه بیش از شانزده مجله شهر مریوان را در کنترل خود آوردند و اطلاعاتیه هایی از رهبری حزب حکمتیست را بطور وسیعی در میان مردم پخش کردند. به همین جهت چند سوال را روی میز عبدالله دارابی گذاشتیم تا پاسخ دهند. البته به این دلیل که مساله گارد آزادی برای خیلی از خوانندگان نشریه در سراسر ایران، مساله جدی و تعیین کننده ای است، حتما این قول را همین جا می دهیم که در آینده نزدیک یک مصاحبه مفصل با عبدالله دارابی در مورد گارد آزادی داشته باشیم. در ضمن از عبدالله دارابی برای وقتی که به نشریه دادند تشکر می کنیم.

هیات تحریریه جوانان حکمتیست ص ۳

واحد های گارد آزادی را تشکیل دهید و با ما تماس بگیرید!

زنده باد آزادی! زنده باد برابری!

→ آیا اهمیت و مطلوبیت سرنگونی و پائین کشیدن حکومت در ایران از وجود و یا عدم وجود راه حل اقتصادی ناشی میشود؟ شاید برای سرمایه و سرمایه داری و احزاب طرفدار آن، اینطور باشد. اما برای مردم ایران بی تردید اینطور نیست.

حکومت اسلامی در ایران را از همان روز اول می بایست به زیر کشید، مستقل از اینکه راه حل اقتصادی وجود داشته باشد یا نه و مستقل از اینکه عمق بحران اقتصادی رژیم از اینکه هست بیشتر باشد یا کمتر. این حکم که اگر راه حل اقتصادی وجود داشته باشد گویا سرنگونی از دستور کار مردم خارج میشود، به اعتقاد من هم از نظر علمی و تئوریک و هم از نظر سیاسی و اجتماعی، حکم نادرستی است. رژیم ها و حکومت های فاشیستی و ضد انسانی را در هر وضعیت سیاسی و اقتصادی و با و یا بدون هر "راه حل درون سیستمی" از زاویه منفعت روز مردم باید فوراً سرنگون کرد و سرنگونی از این زاویه یک ضرورت فوری است. رژیم های سیاسی ضد انسانی را باید از همان روز اول سرنگون کرد، مستقل از اینکه توازن قوا به مردم در هر لحظه این امکان را بدهد یا نه. با این نقطه عزیمت ضرورت سرنگون کردن رژیم برای کسانی که آرزوی خوشبختی کودکانشان را دارند نه از وجود یا فقدان راه حل اقتصادی که از

تناقض ماهوی این حکومت با نیازهای ابتدایی آنها ناشی می شود. منظورم از این مقدمه طولانی این است که قرار نیست با هیچ فرمول نجات بخش اقتصادی و کشف هیچ "راه حل درون سیستمی"، حتی با فرض وجود چنین نسخه نجات بخشی هم، کسی به مردم ایران ثابت کند که باید به حاکمیت اسلام و انواع منقرض شده احمدی نژادها یا رفسنجانی ها و خاتمی ها، بالای سرشان رضایت دهند. ضرورت سرنگونی رژیم اسلامی از تناقض حیات این حکومت با زندگی انسانی مردم ناشی میشود.

گفتم که این حکم از نظر تئوریک هم به اعتقاد من نادرست است. میدانیم که بحران های اقتصادی، ذاتی همه نظام های سرمایه داری است و دول سرمایه داری برای تخفیف بحران های ادواری اقتصادی خود و از سرگرداندن آن، راه حلهای مختلفی دارند. بالا بردن سودآوری سرمایه

با پائین آوردن هزینه تولید و با بیکارسازیها و بستن مراکز تولید، حمله به سطح معیشت طبقه کارگر و تحمیل فقر و

جنگی برای زیستن...

جسارت بشریت به ساحت مقدس سرمایه به تازیه می کشند. دیروز در پارلمان فرانسه صحبت بر سر منع فعالیت کمونیستها در اجتماع، امروز تصویب قانون جدید کار علیه جوانان!

آنچه سه شنبه فرانسه را به فلج کشاند یک جدال جهانی بود که تنها خصلت کشوری نداشت. باید در سنگربندی های معلومی حضور یافت.

بقول منصور حکمت: "باید انتقاد زیر و روکننده مارکسیستی، انتقاد کارگر به جهان سرمایه داری را با قدرت و کوبندگی به مراتب بیشتر در سطح جامعه طرح کرد. باید خرافات دموکراتیک، ناسیونالیستی، لیبرالی، مذهبی و انتقادات نیمبند ناراضیان بورژوا به حاشیه های نظام موجود را از صحنه جارو کرد. باید صف سوسیالیستی کارگر را به میدان جدالهای اقتصادی و سیاسی تعیین کننده امروز کشاند. باید آترناتیو کارگری را در برابر جهان امروز قرار داد. باید اشکال و قالبهای مبارزه رادیکال توده کارگران را تعریف کرد و گسترش داد. باید احزاب سیاسی روشن بین، رادیکال و کمونیست کارگری ایجاد کرد. باید ایجاد وحدت طبقاتی کارگر در سطح بین المللی را بعنوان یک امر عاجل عملی در دستور کار داد."



سال دوام آورد، به قیمت خانه خرابی و تباهی دو نسل و با تکیه بر کار ارزان و کارگر خاموش ایران. میخواهم بگویم از احکام عموما درست مثل این که بحران اقتصادی انقلاب و سرنگونی تولید میکند یا راه حل درون سیستمی هم ممکن است، نمی توان برای تحولات سیاسی در هیچ کشوری نسخه رفتن یا ماندن حتمی یک حکومت را نوشت. هر راه حلی "درون سیستمی" یا ضد سرمایه و سوسیالیستی همه بالقوه اند، برای بالفعل شدن به عوامل متغیر زیادی بستگی دارد. مثلا مهمترین عامل برای بالقوه شدن و متحقق شده راه حل مردم، راه حل سوسیالیستی، و امحا

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

مصاحبه با فرماندهی گارد آزادی، عبدالله دارابی



ما

ندارد و بر همین اساس بهر اقدام کوچک و حاشیه ای و بی سر و صدا بسنده کرده و بخاطر تسکین دادن روحیه خویش همواره به مقایسه های نا مربوط متوصل میشود. در صورتیکه کاملا روشن است که وزن و جایگاه سیاسی-اجتماعی کنترل محلات با کار "یواشکی" یکی نیستند و تفاوتشان زمین تا آسمان است. دور بودن این نگرش از اهداف بزرگ اجتماعی باعث میشود همواره خود را از تلاش و اقدامات موثر در جامعه دور نگهدارد و بجای آن خود را به پندار های پوچ و واهی سرگرم نماید. کنترل محلات کار یک سنت و یک نیروی سیاسی اجتماعی است که همین امروز کار دارد، عجله دارد، اوضاع حاکم بر جامعه رنجش میدهد و بشدت به آن معترض است، از اتلاف وقت بیزار است و تصمیم دارد تاریخ دوران خود را خودش بسازد و آنرا به آینده دور موکول نکند. این سیاست فعال، کنترل محلات را بمثابة یک تلاش جدی در دستور خود گذاشته تا از آن طریق بتواند مردم را حول منافع خویش متحد و متشکل کند و با توصل به اعمال اراده واقعی خودشان راه برای جاری کردن رسم و سنت و قوانین انسانی در محلات شهرها هموار سازد.

کنترل محلات یک امر سراسری است به محل و منطقه خاصی تعلق ندارد و اتفاقا در شهر های بزرگ امکان شکل گیری و گسترش آن بر مراتب بیشتر است. نوک تیز این سیاست بصورت آشکار و عریان نقض حاکمیت ارتجاعی رژیم و دور کردن دستجات اوباش مسلح مذهبی از محیط زندگی مردم را نشانه دارد و به فاکتور تسلیح و غیره هم مربوط نیست. علاوه بر رژیم و اعوان و انصارش، تضعیف و حاشیه ای کردن فعالیت قوم پرستانه و ارتجاعی در محلات هم یکی دیگر از اقدام کاری است که بایستی آنرا متحقق کرد. محلاتی که هویت انسانی در آن قدرتمند باشد در درجه اول یعنی هویت انسانی زن و مرد در آن رسمیت دارد و کسی بخاطر جنسیتش مورد تحقیر و اهانت و بی حرمتی و آزار و شکنجه و تعدی و... قرار نمیگیرد و کم کم فضای آزاد و ریلکس و صمیمی جای خود را به فضای ترس و استرس و اضطراب میدهد. و توان و پتانسیل متمرکز و جمعی بشدت بالا میرود. بیان این تصویر واقعیتی است ممکن و در عین حال سخت و دشوار که بکار و تلاش شبانه روزی کسانی که استارت اولیه اش را میزنند احتیاج دارد.

قبل از هر چیز بفرماندهی آن هستیم که حرف مردم به کرسی نشاندن شود و سکان ماشین به دست خود مردم بیفتد تا بر مبنای آن هر جا دلشان میخواهد برانند و مناسبات و نظم و نسق جامعه را هم بر مبنای نیازمندی های زندگی خودشان سازمان دهند. اگر دعوائی با رژیم و اپوزسیون در میان باشد، (که هست) به همین خاطر است. و کنار زدن رژیم جمهوری اسلامی از صحنه قدرت سیاسی و مقابله کردن جدی با اپوزسیون راست و مترجع هم بر اساس همین مبنای سر چشمه میگیرد نه هیچ چیز دیگر. مردم باید بخاطر هموار ساختن این راه پر پیچ و خم تمام موانع پیشروی خود را از سر راه بردارند.

یک بار برای همیشه رو پای خودشان راه بروند و دنیای شایسته خود را بر مبنای نیازمندی های عموم مردم بنا سازند. و در پروسه سرنگونی آن هم به سراغ سایر موانع دیگر رفت و آنان را هم سر جای خودشان نشاند. نیروهای قومی و مذهبی فی الحال موجود در اپوزسیون طبق سیاست و برنامه و عملکرد روزمره شان وقتی خواهان سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی هستند که خودشان ←

جوانان حکمتیست: حضور واحد های گارد آزادی در ادامه چه سیاستی از حزب است؟ شما می خواهید جمهوری اسلامی را سر جای خود بنشانید یا اپوزسیون آن را؟
عبدالله دارابی: در شرایط حاضر عمده ترین مانع رژیم جمهوری اسلامی است که باید سر جایش نشاندن شود. نفس این تلاش در راستای سیاستی است که گارد آزادی آنرا از «حزب و جامعه» پذیرفته و برای به سر انجام رساندن آن متعهد شده است.



نه قومی، نه مذهبی! زنده باد هویت انسانی!

میدهد. قرنهایست مردم سرکوب میشوند، تو سری میخورند و تحقیر میشوند. این بار باید اراده و توانایی خود را از کانال اهداف و سیاست و عملکرد حزب و نیروی مسلح واقعی خودشان باز یابند تا با اتکا بنفس کامل برای متحقق ساختن اهداف و آرزوهای دیرین خود متحد و متشکل شوند. امروز کمپ آزادیخواهی و برابری طلبی در ایران به یمن سه دهه فعالیت بی وقفه و تعطیل ناپذیر کمونیست ها از حزب قاطع و برنامه و سیاست و تاکتیک های روشن خود برخوردار است. مانور و عملیات بزرگ اخیر شهر مریوان هم یکی از حلقه های پیوسته و بهم بافته این امر بزرگ بحساب می آید که در شرایط حاضر در نوع خود کم نظیر است.

جوانان حکمتیست: عده ای این انتقاد را دارند که دامنه این تأثیرات محلی است. تا آنجایی که ملاحظاتی امنیتی اجازه می دهد، بفرمایید که آیا گارد آزادی در بعد سراسری هم خواهان انجام چنین مانور هایی هست؟

عبداله دارابی: شروع کار گارد آزادی و ابراز وجود مسلحانه و علنی آن در کردستان به تنهایی از فلسفه وجودی و نقش و جایگاه سیاسی آن نشأت نمیگیرد و با آن تعریف نمی شود. چگونگی تسلیح گارد آزادی در کردستان داستان مفصلی دارد که باید به تفصیل به آن پرداخت و بدلیل محدودیت از حوصله این نوشته هم خارج است. گارد آزادی نیروی مسلح یک حزب کمونیستی است که هدفش برقراری سوسیالیسم و جمهوری سوسیالیستی است. که تأثیر استقرارش با فشار دگمه کامپیوتر دنیا را می لرزاند و بمراتب بزرگتر و وسیع تر و پر محتوا تر از ده روزی است که دنیا را لرزاند. اینکه ما در شرایط حاضر در بخشی از جغرافیا ایران قدرت ابراز وجود علنی و مانور و تحرکمان بیشتر است، ناشی از یک تاریخ ثبت شده ۲۸ ساله است و ربطی به اهداف و فلسفه وجودی آن ندارد. ابتدا وجودی تشکیل گارد آزادی سراسری است و در همه جای ایران یکی است و سر سوزنی تفاوت در آن یافت نمیشود. گارد آزادی در مشهد و تهران و سنج و مهاباد و مریوان و.... باید تضمین کند که در پروسه سرنگونی رژیم و بعد از آن فضای سیاسی اجتماعی جامعه بر وفق مراد مردم برود؛ و نه دار و دسته های قومی،

و پتانسیل سیاسی، اجتماعی و نظامی خود استفاده خواهد کرد. بهمین اعتبار از این پس کارگران و همه نیروهای آزادیخواه در سراسر ایران بایستی گارد آزادی را چون نیروی سیاسی نظامی خود بحساب آورند و از هر نظر آنرا تقویت کنند تا به کمک آن تمام موانع پیشروی مردم را کنار زنیم.

جوانان حکمتیست: فکر می کنید انجام چنین مانور ها و قدرت نمایی هایی از یک حزب کمونیستی چه تاثیری می تواند در ذهن جامعه بگذارد؟

عبداله دارابی: برای متحقق ساختن برنامه «یک دنیای بهتر» در جامعه ایران، تنها اتکا کردن صرف به خود مضمون برنامه و شفافیت و گویا بودن کلام آن کافی نیست. باید توانایی و لیاقت پیاده کردن آنرا هم به جامعه نشان دهیم و ثابت کنیم صاحب حرف های خودمان هستیم. مدافعین برنامه یک دنیای بهتر در سراسر ایران بایستی از قدرت و پتانسیل عملی ساختن برنامه خودشان در جامعه برخوردار شوند تا به کمک آن اذهان عمومی جامعه تکان بخورد و ضمانت اجرایی پیاده کردن آن در جامعه فراهم گردد. تحقق این امر عظیم مطلقا با شیوه کار آرام و روتین پیش نخواهد رفت. نیرویی که پتانسیل پیاده کردن چنین کاری را از خود نشان ندهد جامعه پشت سر آن بخط و بسیج نخواهد شد و آنرا نخواهد پذیرفت. تمام برنامه های گارد آزادی از جمله همین مانور ها که خودتان اشاره کرده اید بخش های بسیار کوچک و بهم پیوسته این قدرت نمایی طبقاتی است که میتواند سرعت توجه افکار عمومی جامعه را به سمت ما و اهداف و سیاست هایمان بچرخاند. و اراده و امکان پذیری پیاده کردن این برنامه انسانی و کمونیستی را در سطح جامعه گسترش دهد و به سرعت کارگران، زنان، جوانان و مردم

کوچه و بازار و... را برای اجرای آن متعهد سازد. مانور های کوچک و عرض اندام و خودنمایی های کوچک و ضعیف هیچ تشکلی را در جامعه مطرح نمیکند و انعکاس آن از همسایه بغلی هم فراتر نمیرود. تکان خوردن اذهان جامعه مستلزم اقدامات بزرگ و پر سر و صدا است که کار هر حزب و گروهی نیست و هر حزب و گروه سیاسی هم قادر به انجام آن نیستند. مکتب و تعمق روی انجام کارهای بزرگ و پر سر و صدا بسیار حائز اهمیت است چون در پرورش تفکر و اذهان تک تک ما معنی پیدا میکنند و حاصل کار ما را ده چندان ارتقا

جایگزینش شوند. چون اینها هم عین جمهوری اسلامی ۱۸۰ درجه با منافع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... مردم بیگانه اند و همان وصله ای خواهند شد که از ۲۸ سال قبل تا حال بر پیکر مردم هست. این ها هم همانند رژیم اسلامی ایران بشدت از قدرت گیری مردم در هراسند چون همواره در تضاد و تقابل با منافع مردم قرار دارند. ماهیت و منافع طبقاتی دستجات قوم پرست و ناسیونالیست هم سر سوزنی با رژیم کنونی ایران فرق ندارد و سیستم و مناسبات مد نظر اینها هم همانا سرمایه داری و استثمار و فقر و فلاکت خفقان و کشتار و زندان و سیه روزی و... است. اگر بدتر از این نباشد مطلقا بهتر نخواهد بود. چون کشور عراق شاهد زنده و انکار ناپذیر این دوره و زمانه است. خودتان منظره زندگی سیاه و دلخراش مردم عراق را هر روزه شاهد هستید و با چشمان خود آنرا دیده و می بینید. گارد آزادی در راستای متوقف کردن چنین سناریویی در ایران تلاش میکند. و به اجرا و پیشبرد سیاست های حزب حکمتیست در این زمینه کاملا متعهد است. گارد آزادی پرچم آزادی و برابری را بر افراشته و با مسلح کردن کارگران، زنان و جوانان و ایجاد میلیشیای توده ای، خود را برای تسریع نمودن روند سرنگونی رژیم اسلامی و تضمین دفاع از آزادی و امنیت مردم در پروسه سرنگونی رژیم و مقابله جدی در برابر سناریو سیاه و نیرو های قومی و مذهبی مدافع آن آماده میکند. سیاست و اهداف گارد آزادی چیزی غیر از منافع کارگران، زنان، جوانان و مردم آزادیخواه ایران نیست و برای متحقق کردن و حفظ و حراست از آن، از تمام توان

تماس با ما
 دبیر سازمان: جمال کامانگر
jamalkamangar@yahoo.com
 تلفن: ۰۰۴۴۷۸۱۴۷۶۵۶۱۹

مردیبر: فواد عبداللهی
foadsjk@gmail.com
 تلفن: ۰۰۴۴۷۸۹۰۸۰۹۱۴۲

معاون: نسیم رهنما
nasimrahnamadk@yahoo.com
 تلفن: ۰۰۴۵۲۲۸۲۴۵۴۲

پهرام مدرسی
bahramsjk@yahoo.com
 تلفن: ۰۰۴۹۱۷۴۹۴۴۰۲۰۱
 فاکس: ۰۱۲۱۲۱۰۲۲۳۶۱۳



بچه های محل متشکل شوید، با ما تماس بگیرید و به گارد آزادی پیوندید!